

قضا و قدر در منابع اسلامی

از کی قضا و قدر در میان مسلمانان جای خود را باز کرد - نمونه‌ای از آیات و روایات مربوط به قضا و قدر - چگونه بنی‌امیه برای تحمیق و استعمار مردم از مسئله قضا و قدر سوء استفاده کرده و آنرا تحریف می‌نمودند!؟

هر فردی از افراد بشر در زندگی خود با يك سلسله رویدادهای غیر منتظره و نابهنگام روبرو می‌گردد و با حوادثی که هرگز وجود آنها را پیش بینی نمی‌کرد و یا از اندیشه او خظور نمی‌نمود گلاویز میشود چه بسا پدیده‌ای نابهنگام تحولات عظیمی در وضع زندگی فردی و اوضاع سیاسی و اجتماعی کشوری بوجود می‌آورد ، و بسیاری از رؤیاهای شیرین و محاسبات خیالی انسانها را ، نقش بر آب می‌سازد و افراد متفکر را دچار حیرت و تفکر می‌نماید .

در این اوضاع و احوال ، انسان با خود چنین می‌اندیشد :

سرچشمه این حوادث کجا است!؟ و سرنخ زندگی دست چه کسی است!؟ اگر طراح نقشه زندگی ، خود بشر است و عامل نامرئی و دست‌دیگری در کار نیست ، پس چرا در مواقع زیادی محاسبات انسانها غلط از آب درمی‌آید ؟ چه عاملی در کار است که کوششهای زیاد و فعالیت‌های توانفرسای افراد را از نتیجه بازمی‌دارد !؟ اینجاست که نذر يك اندیشه فلسفی در محیط فکر انسان ، بوجود می‌آید و با سیر زمان و تکرار حوادث و پختگی افکار ، شروع

به رشد و نمو می‌کند، وزیر بنای مسائل «جبر و اختیار، قضا و قدر» ریخته می‌شود و هر فردی خواستار حل و گشوده شدن این مسأله علمی می‌گردد.

بنابراین برای پیدایش مسأله جبر و اختیار یا تقدیر و سرنوشت، نمی‌توان یک تاریخ قطعی تعیین کرد زیرا این مسأله و مانند آن از روزی که بشر با الفبای مسائل فلسفی و کلی آشنا شده است در هر عصری به صورت خاصی برای بشر مطرح بوده، و کم و بیش پیرامون آنها بحث و گفتگو می‌نموده است.

علل توجه مسلمانان به بحث درباره تقدیر و جبر و اختیار، علاوه بر اینکه اندیشه در این مسائل روی جهتی که گفته شد؛ یک خصیصه انسانی است، جهت دیگری نیز داشته است که موجب گسترش بحث و تألیف کتب و رسائل فراوانی (۱) پیرامون این مسائل گردیده است و آن جهت عبارتست از توجه خاصی که قرآن به بیان معارف عقلی و طرح مسائل کلی دارد زیرا یکی از علل مایه گیری فلسفه اسلامی و تکامل همه جانبه‌ی آن که توانست در مدت کوتاهی فلسفه موروثی یونان باستان را با تأسیس مسائلی به صورت یک مکتب جامع و جهانی درآورد، همان معارف کتاب الهی و سخنان ارزنده پیشوایان معصوم اسلام است تا آنجا که فلسفه اسلامی در مدت بسیار کمی از فلسفه یونانی فاصله زیادی گرفت، و پس از مدتی با افزودن پانصد مسأله بر دو بیست مسأله موروثی، به صورت یک مکتب جامع و پیشرو سازنده درآمد.

لذا - هنوز نیمه نخستین قرن اسلامی به پایان نرسیده بود که مسأله قضا و قدر در محافل اسلامی مورد بحث و گفتگو قرار گرفت تا جایی که هنگام بازگشت امیرمؤمنان از جنگ صفین مرد سالخورده‌ای شرفیاب محضر امام گردید و پرسید:

- آیا سفر ما به تقدیر خداوند است؟

- بخدائی که دانه را در بر زمین شکافت و انسان را آفرید روی هیچ بندگی قرار نگرفتیم

و هیچ دره‌ای سر از بر نشدیم مگر بقضا و تقدیر خداوند!

- در این موقع برای رنج ما پاداشی نیست و همگی سر بور به خدا می‌باشند!

- خداوند بزرگترین پاداش را در حال رفتن و بازگشتن برای شما منظور داشته

(۱) گذشته از اینکه مسائل یاد شده در کتب فلسفی اسلامی غالباً مطرح شده و مورد

بحث قرار گرفته است، از روزی که مسأله جبر و اختیار و قضا و قدر توجه محافل علمی اسلامی را، به خود جلب نموده است، از طرف دانشمندان اسلام، کتابها و رساله‌های مستتلی پیرامون آنها نوشته شده است برای اطلاع بیشتر به فهرست‌هایی که برای کتب اسلامی نوشته‌اند مانند کشف الظنون مراجعه فرمائید.

است زیرا در هیچ يك از حالات مجبور نبودید و هر دورا از روی اختیار انجام داده‌اید .
- چگونه مامختار و آزادیم در صورتی که قضا و قدر و سر نوشت الهی ما را به هر دو کار
سوق داده است ؟

- تو تصویری نمائی همه کارها از روی تقدیر اجباری و حتمی (بدون اختیار و اراده
بشر) انجام می‌گیرد ؟ اگر چنین باشد برای پادشاه و کافر ، موضوعی باقی نمی‌ماند ،
خداوند به بندگان خود امر و نهی فرموده و آنان را در انجام هر دو مخیر ساخته است ، آنان را
به کارهای ممکن مکلف ساخته و هر گز به امر محال فرمان نداده است ، در برابر عمل کوچک
پادشاه بزرگ معین نموده است . نافرمانیهای بندگان ، خدا را مغلوب نمی‌سازد و اطاعت
بندگان صالح از روی جبر و اضطرار نیست و خداوند ، پیامبران و کتائبهای آسمانی را التو و
عبث نفرستاده است (۱)

* * *

ریشه‌های قضا و قدر در قرآن و سخنان پیامبر :

موضوع قضا و قدر با صراحت هر چه کاملتر در قرآن و سخنان پیامبر اسلام و سایر پیشوایان
معصوم وارد شده است و روشمتر از همه (آیه ۲۲ سوره حدید) است چنانکه می‌فرماید :

«ما اصاب من مصیبة فی الارض و لا فی انفسکم الا فی کتاب من قبل ان
نبرأها ان ذلك علی الله یسیر» :

هیچ مصیبتی در زمین رخ نمی‌دهد و یا بلائی متوجه جان شما نمی‌شود مگر اینکه پیش از آنکه
آنها بیافرینیم در کتابی مضبوط است و این کار بر خداوند آسان است.

این آیه بار و سنی خاصی از ضبط همه نوع رویدادها در کتابی گزارش می‌دهد و اما حقیقت
این کتاب چیست ؟ بعداً درباره آن بحث خواهیم نمود .

روایاتی که از پیامبر اسلام و سایر پیشوایان دینی نقل گردیده پیش از آنست که مختصری
از آن را در این صفحات منعکس نمائیم . (۲)

پیامبر اسلام در یکی از سخنان خود چنین می‌فرماید :

«من زعم ان الخیر و الشر یفر مشیة الله فقد اخرج الله من سلطانه و من زعم ان المعاصی
بفیه قوة الله فقد کذب علی الله» (۳) . کسی که تصور نماید که خوبها و بدبها بدون مشیت و

(۱) نهج البلاغه عمده ج ۲ ص ۱۶۷ بحار الانوار ۹۸ - ۹۷ و غیره .

(۲) برای اطلاع بیشتر به اصول کافی باب جبر و قدر و باب استطاعت صفحه ۷۷ - ۷۴

و بحار الانوار ج ۵ صفحه ۱۳۵ - ۱۵ ، و کتب الناجح الجامع للاصول ج ۱ ص ۳۵ - ۳۴ و ج
۵ ص ۱۷۱ - ۱۷ مراجعه شود .

(۳) اصول کافی ص ۷۶ چاپ سنگی .

خواست خدا انجام می‌گیرد ، خدا را از قلمرو سلطه خود بیرون پنداشته است و هر کسی که بیاندیشد نافرمانیها بدون اتکاء به قدرتی که خدا به بشر داده است وجود می‌پذیرد برخدا ، دروغ بسته است !

ابوداود و ترمذی در جامع خود (۱) از پیامبر چنین نقل کرده‌اند : که خداوند به قلم دستور داد : « اکتب مقادیر کل شیء حتی تقوم الساعة » حوادثی را که تا روز قیامت واقع می‌گردد بنویسد .

جابر بن عبدالله از پیامبر نقل می‌کند که فرمود : **لَا يُؤْمِنُ عَبْدٌ حَتَّى يُؤْمِنَ بِالْقَدْرِ خَيْرُهُ وَشَرُّهُ** : ایمان بنده‌ای کامل نمی‌شود مگر اینکه به کلیه مقدرات اعم از خیر و شر ایمان بیاورد .

* * *

غرض و رزی خاورشناسان

این آیات و روایات که آنها را از اصیلترین مدارک اسلامی نقل نمودیم کافی است ثابت کند که در دوران زندگی پیامبر و یا اندکی پس از آن ! موضوع جبر و اختیار با تمام شاخه‌های خود در میان مسلمانان مطرح گردیده و هرگز با وجود این عمه آیات و روایات ، که هر کدام می‌تواند باعث طرح این مسائل گردد ، جهت ندارد که طراح این نوع مسائل و مسأله آزادی اراده « معبد جهمی » آنها به تقلید و تبعیت از یک ایرانی موسوم به « سنویه » در پایان قرن هفتم میلادی در دمشق باشد .

« داود ادر او » در کتاب تاریخ ادبیات ایران پس از نقل این نظریه می‌گوید : به نظر « فن کرمر » محل تکوین و تکامل معتقدات این قوم دمشق بوده و تحت نفوذ متالهین « بیزانس » علی‌الخصوص « یحیی دمشقی » و مرید او « ثیودورا ابوقره » بوده است (۲) جای تردید نیست که این خاورشناس هدفی جز ، اثبات فضیلتی برای متالهین مسیحی ندارد در صورتی که نظریه با حقایق مسلم تاریخی مخالف است زیرا :

اولا : « معبد » از تابعان بوده و از دست پرورده های حسن بصری می‌باشد (۳) در صورتی که موضوع قضا و قدر که طبعاً مستلزم بحث در آزادی و جبر در اراده است در خود قرآن و زبان پیامبر مطرح بوده است حتی هنگام بازگشت امیرمؤمنان در سال ۳۸ هجری از صفین این

(۱) این دو نفر از محدثان مشهور جهان تسنن و کتایبهای آنان جزو کتابهای ششگانه (صحاح سته) آنان است و ما حدیث را از کتاب التاج الجامع للاصول نقل می‌نمائیم .

(۲) به تاریخ ادبیات ایران صفحه ۴۱۳ - ۴۱۲ مراجعه شود .

(۳) به میزان الاعتدال مراجعه بفرمائید .

مسأله مورد توجه برخی از مسلمانان بیدار نیز قرار گرفته است .
ثانیاً از گفنگوئی که «معبد» با «حسن بصری» نموده است روشن می گردد که از دیر باز موضوع قضا و قدر بهانه‌ای در دست حکومت‌های جابراموی بوده است .
روزی معبد از استاد خود پرسید : چرا بنی‌امیه مسأله قضا و قدر را بیش از حد به رخ مردم می‌کشند ؟ و تا کجا این مطلب راست و درست است ؟ استاد در پاسخ وی گفت : اینان دشمنان خدا هستند و دروغ می‌گویند و روی خشمی که او از تعدیات بنی‌امیه داشت بنی‌امیه مقدمات قتل او را فراهم آوردند (۱)

روزی که شکایات مردم از بینوایی از حد تجاوز کرد معاویه برای شکایات مردم آیه زیر را خواند و آن من شیء الا عندنا خزائنه وما ننزله الا بقدر معلوم، (۲)

خزینه‌های تمام اشیاء پیش ما است و ما آنرا به اندازه معین می‌فرستیم دیگر مردم چه شکایتی از ما دارند در این موقع احنف بن قیس از میان جمعیت برخاست و گفت امیر ! آن رزق و روزی را که خداوند میان مردم بطور مساوی تقسیم کرده است شما میان مردم و آن، حائل شده‌اید و نمی‌گذارید که سهم افراد به خود آنها برسد . .
شاید این اندازه بحث در باره تاریخ این مسأله و بی پایه بودن نظریه خاور شناس مزبور کافی باشد .

در شماره‌های بعد به بیان حقیقت قضا و قدر می‌پردازیم و تفسیر آیات و روایات بالا را مشروحاً ذکر خواهیم کرد و روشن خواهد شد که ایمان به قضا و قدر ابداً منافاتی با آزادی اراده ندارد .

۱ - تاریخ علم کلام شبلی نعمانی صفحه ۱۴ نقل از جلد دوم تاریخ مصر مقرریزی صفحه ۳۵۲ شبلی نعمانی پیش از نقل این فراز می‌نویسد : در دوران امویان هر وقت شکایتی از زبان کسی در می‌آمد ، طرفداران حکومت حواله به تقدیر کرده و او را ساکت و خاموش می‌کردند که آنچه انجام می‌شود مقدر و مرضی خدا است و نباید : هیچ دم زد **آمننا بالقدر خیره و شره !!**

۲ - سوره حجر - ۲۱ ، استدلال معاویه با این آیه خواه از نظر موضوع تقدیر باشد و خواه از نظر تشبیه و پیروی از کارهای خدا ، یک نوع مغلطه کاری است که براهل بصیرت پنهان نیست .